



The Historical Evolution of Commentators' Views on the Concept of "Qavvmoon"

Ja'far Nekoonam *

Farangis Safikhani **

Mohammad Javad Najafi ***

Received: 7/9/2018 | Accepted: 7/20/2018

Abstract

The term "Qavvmoon" (literally maintainers) in Surah An-Nisa (Verse 34) is considered as one of the most challenging Qur'anic terms. Throughout history, various interpretations have been made by commentators on this word. The present article aims to explore the historical evolution of commentators' opinions and the bases of their emergence since the 1st century A.H. The results of the study show that because during early centuries, man was recognized as the superior gender having special privileges in the public culture, the term "Qavvam" was interpreted as the excellence and supremacy of man over woman in most of exegetic texts up until almost the 12th century A.H. due to the superiority of men over women in terms of wisdom and belief on the one hand, and paying dowry and alimony to women on the other hand. However, since the 12th century A.H. as women started to have more economic, social, and scientific role in society, the term "Qavvmoon" has been interpreted as correspondence, supervision, management, support, guardianship, enjoining good and forbidding wrong in relation to women. Undoubtedly, the scientific and cultural achievements of women have been very effective on the emergence of this interpretative approach.

Keywords

Qavvmoon, Women, Verse 34 of Surah An-Nisa, Exegetic Evolution

* Associate Professor, Department of the Qur'anic Science and Hadith, University of Qom, | jnekoonam@gmail.com

** Ph.D. Student in the Qur'anic Science and Hadith, Faculty of Usul al-Din in Qom, | f.safikhani13@gmail.com

*** Associate Professor, Department of the Qur'anic Science and Hadith, University of Qom, | najafi.4964@yahoo.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سیر تاریخی آرای مفسران درباره مفهوم «قَوَامُون»

دکتر جعفر نکونام*

فرنگیس صفی‌خانی**

دکتر محمدجواد نجفی**

تاریخ ارسال: ۹۷/۰۴/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۹

چکیده

واژه «قوامون» در آیه ۳۴ سوره نساء، یکی چالشی‌ترین واژگان قرآنی برشمرده می‌شود. در گذر تاریخ، درباره این واژه، آرای متعددی از سوی مفسران بیان شده است. مقاله حاضر سیر تاریخی تطور آرای مفسران و عوامل پیدایش آن آرا از قرن اول هجری تاکنون بررسی گردیده است. نتایج این پژوهش حاکی است، از آنجاکه در قرن‌های نخستین در فرهنگ مردم، مرد به عنوان جنس برتر و دارای امتیازات ویژه شناخته می‌شد، در بیشتر تفاسیر تا حدود قرن دوازدهم، لفظ «قوام» به معنای فضیلت، سلطه و حاکمیت مرد بر زن تعبیر و تفسیر شده و دلیل آن را برتری مرد بر زن در عقل و ایمان از یک سو، و پرداختن مهر و نفقه مرد به زن از سوی دیگر دانسته‌اند؛ اما از قرن دوازدهم به بعد، با افزایش نقش زن در جامعه از جهات اقتصادی، اجتماعی و علمی، واژه قوامون، معانی متنوعی چون کارگزاری، سرپرستی، مدیریت، حمایت، پاسداری، امر به معروف و نهی از منکر مرد نسبت به زن یافته است. تردیدی نیست که رشد علمی و فرهنگی و اجتماعی زنان در پیدایش این رویکرد تفسیری، بسیار تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژگان

قوامون، زنان، آیه ۳۴ سوره نساء، تطور تفسیری

* دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول‌الدین قم

** دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

۱. بیان مسأله

واژه قوامون در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء یکی از بحث‌انگیزترین واژگان قرآنی به‌شمار می‌آید. از سوی مفسران در ادوار مختلف تفسیری، آرای متفاوتی درباره آن مطرح شده است تا جایی که بعضی از مفسران براساس برداشت از معنای این لفظ، نظریه ولایت مطلق و تسلط و برتری مرد بر زن را مطرح نموده‌اند (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۷۰). برخی نیز این لفظ را به مفهوم تسلط مردان بر زنان تنها در برخی حوزه‌ها؛ ازجمله در زمینه مسائل اقتصادی و مالی دانسته‌اند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳۷؛ طبری، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۳۷-۴۰).

این نوع برداشت‌ها و نظریات سبب شده است که عده‌ای قرآن را مخالف حقوق زنان معرفی کنند؛ چنان‌که برخی فمینیست‌ها و مدافعان حقوق زنان، با استناد به این آیه و استفاده از این گونه آراء تفسیری، قرآن کریم را مخالف حقوق زن معرفی نموده‌اند (جانسون، ۱۳۷۷، ص ۸۷-۱۲۷). همچنین، بر اساس این گونه نظریات تفسیری، شبهات متعددی در مورد برتری مرد نسبت به زن مطرح شده است (نک: نصیری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹-۱۸۷). سؤالاتی که در این مقاله به آنها پرداخته می‌شود، از این قرار است که مفهوم اصلی لفظ قوامون چیست و آراء تفسیری درباره این لفظ در گذر تاریخ، چه سیر یا تطوری داشته و چه عوامل و زمینه‌هایی بر این آراء و نظرات تأثیرگذار بوده است؟

پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه واژه قوامون صورت پذیرفته، هرگز به روش تاریخی و تطبیقی نبوده و تطور معنایی این واژه را در تفاسیر در گذر تاریخی بررسی نکرده‌اند. برای مثال، عظیم‌زاده اردبیلی (۱۳۸۳ش) با بررسی معناشناختی و تحلیل واژه قوام در آیات قرآن ضمن تبیین جایگاه قوامیت مرد، تطبیق آن با حقوق انسانی زن و مقایسه‌ی آن با مفاد کنوانسیون رفع تبعیض، بدین نتیجه رسیده است که این آیه مربوط به روابط زن و مرد در خانواده و بیانگر حکم مسئولیت و حمایت حفاظتی است که مرد باید از زن و خانواده خود بنماید و تأمین معاش و تدبیر امور اقتصادی خانواده را برعهده داشته باشد.

خلائی که در تمام این پژوهش‌ها ملاحظه می‌شود، این است که در آنها به سیر تطور آراء مفسران و عوامل موثر بر آن در گذر تاریخ پرداخته نشده است. در این مقاله سعی بر آن است، به ترتیب تدوین تفاسیر، تطورات آراء و نظریات تفسیری در زمینه معنای «قوامون» در

آیه ۳۴ سوره نساء بررسی شود و عواملی که باعث چنان تطوراتی شده است، جست‌وجو و تبیین گردد.

۲. توصیف تطور معنای قوامون در تفاسیر در گذر تاریخ

مهم‌ترین تطورات تفسیری که در زمینه معنای «قوامون» در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء از سوی مفسران در گذر تاریخ رخ داده و عواملی که این تطورات تفسیری را پدید آورده است، به اختصار در جدول ذیل گزارش می‌گردد:

در قرن اول و دوم، واژه «قوام» در بیشتر تفاسیر به معنای سلطه مرد بر زن جهت تأدیب است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۷۰). با توجه به تعابیر به‌نظر می‌رسد حیطه تسلط مرد مربوط به حریم خانواده و رابطه زن و شوهر بوده و عمومیت ندارد.

در قرن سوم و چهارم، در این دوره مفسران با استفاده از ترجمه و ظاهر قرآن و روایات وارده، معنای تسلط در تأدیب و مسائل عمومی را استنباط کرده‌اند. نظر غالب مفسران این قرون درباره برتری مردان بر زنان، مربوط به مسائل خلقتی است و مفاهیم تأدیب، تدبیر، تسلط و اطاعت از طرف مقابل را برای این لفظ مطرح کرده‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۰۰؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۴۰).

تا قرن چهارم، مفسران با گرایش تفسیری مکتب روایی محض، آراء خود را با تأکید بر ظاهر آیات و روایات ابراز کرده‌اند (طبری، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۳۷-۴۰؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳۷). از قرن چهارم تقریباً دلایل برای اثبات نظریه‌ها بیشتر می‌شود (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۴۸). در تأویلات اهل سنت علاوه بر عوامل فطری خدادادی، امتیازات اکتسابی؛ مانند انجام شغل‌های گوناگون از سوی مرد، افضلیت شمرده می‌شود (ماتریدی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۷).

در قرن پنجم و ششم، معنی «تأدیب و تدبیر و تعلیم» برای قوامون استنباط می‌شود. البته این نظریات، ناظر به رابطه عمومی زن و مرد بوده و منحصر به رابطه آن دو در خانواده نیست (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۹۲)؛ زیرا با بیان موضوعاتی مانند جهاد، ایراد خطبه نماز جمعه، اذان و دیگر موضوعات اجتماعی برای دلیل فضیلت، معلوم می‌گردد که حیطه و حوزه تسلط، عمومی بوده و منحصر به محدوده خانواده نمی‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۰۵).

در قرن پنجم و ششم هجری، نظریات کماکان به همان طریق، مبنی بر تسلط بر تأدیب ادامه دارد. شیخ طوسی بحث تأدیب و تدبیر در معنای قوامیت و تفضیل را در عقل و رأی مرد می‌داند (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۸۹) و ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۳۰۲) و طبرسی (طبرسی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۶۹)، نظری مشابه با نظر طوسی را ارائه می‌دهند. ابن عطیه، معنای قوامیت را استبداد رأی می‌داند و با تعبیر پادشاهی کردن مرد، عقل و کمال دین مرد را نشانه و دلیل مدیریت بر زن اعلام می‌کند (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۷).

در قرن ششم، استحقاق نبوت و میراث دوچندان مرد و امکان ازدواج مرد با چهار زن، به آرای پیشینیان اضافه می‌شود. فخر رازی تحت تأثیر روش علمی تجربی خود، فضل مردان را به دو صفت علم و قدرت برگردانده و میان مسئله ارث و مهر و نفقه تعادل ایجاد کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۷۰).

قرطبی در قرن هفتم بعد از تأیید دیدگاه فخر رازی، به طبیعت گرم مرد و سرد زن اشاره می‌کند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۱۶۹).

در قرن هشتم، ابن کثیر نظری شبیه زمخشری دارد که معتقد به سلطه و استبداد رأی مرد است (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۵۶).

در قرن نهم، ثعالبی همین نظر (بحث برتری مرد) را دارد (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۲۹). فاضل مقداد تقریباً به صورت مشابه با الفاظ ولایت و سیاست معنا می‌کند (فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۱۱).

در قرن دهم، برای اولین بار بحث خدمتگزاری مرد برای معیشت زن مطرح می‌شود. می‌توان گفت کاشانی از اولین کسانی است که در این قرن، با بیان خدمتگزاری از سوی مرد، معنای جدیدی به مفهوم «قوام» می‌دهد (کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۸؛ همو، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۵۹). این نظر در سایر تفاسیر نیز انعکاس یافت (جرجانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۴۲؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۳۶)؛ سیوطی نیز نظری مانند طبرسی و طوسی دارد (سیوطی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۲).

در قرن یازدهم نظریه غالب قوامیت با تشبیه والی بر رعیت معنی می‌شود (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۷۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۴۸). می‌توان گفت در قرن

دوازدهم به بعد، از معنای تسلط کامل والی بر رعیت یا استبداد رأی (نظر پادشاهی کردن) به معنای دیگر سوق داده می‌شود (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۲). در این قرن با نسبت فضل به هر دو گروه تمایل و نرمشی نسبت به حق زنان دیده می‌شود.

از این قرن به بعد، نقص عقلی زن مطرح نمی‌گردد (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۶۷-۶۹)؛ بلکه قدرت جسمانی (بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۰۴-۱۲۴)، عقل معاش (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۳)، هوش اقتصادی برای مرد (کتابادی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۵؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۳) تعبیر می‌شود و در مقابل، توانایی‌هایی تکوینی و اکتسابی برای زن عنوان می‌شود (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۴۸-۶۵۲؛ امین، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۶۳)؛ تا جایی که در مباحث حقوقی براساس قرائن و ادله فقهی، زنان نیز می‌توانند نقش قوامیت را برعهده بگیرند. شاید بتوان در این امر، پیشرفت علمی زنان در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و نقش اجتماعی آنها در سطوح مختلف جامعه، مؤثر بوده است و دیدگاه متفاوت و گوناگونی آرا در این‌باره مشاهده می‌شود. مغنیه در قرن چهاردهم با رد سلطه مطلقه، قوامیت مرد را به سه چیز اختیار طلاق، اطاعت در فراش، خارج نشدن از منزل محدود می‌کند (مغنیه، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۱۴-۳۱۶).

در دوره معاصر، دیدگاه‌هایی مانند تأمین معاش به دلیل قدرت نظم و مدیریت خانواده (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷۰)، سرپرستی، پاسداری (صادقی‌تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۷۶)، خدمتگزاری، حمایت (صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۴، ص ۱۶۶) و رعایت برای قوامیت عنوان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۴۳-۳۴۴؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۷۳؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۳، ص ۱۳۶) و دلایل آن را تفاوت‌های فردی، وجود امتیازاتی برابر در مرد و زن، درآمد بیشتر و هوش اقتصادی مرد اعلام می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۵۵۰-۵۵۱) در این قرن «فضل‌الله بعضهم» را به هر دو گروه نسبت می‌دهند و فضیلت‌هایی را برای هر کدام مطرح می‌کنند که در دیگری وجود ندارد (فضل‌الله، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۲۳۷-۲۳۱؛ مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۷۴؛ ابوزهره، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۶۷).

در مجموع و در تحلیل داده‌های پژوهش باید تأکید داشت:

- در آرای مفسران اهل سنت حتی در دوران معاصر تفاوت زیادی نسبت به متقدمین مشاهده نمی‌شود؛ بلکه نظریات آنان متأثر از متقدمین و بر مبنای «سلطه کامل مرد بر زن» است.

- عموم نظریات تا قبل از قرن چهاردهم هجری، تقریباً هم‌پوشانی دارند و اکثریت قریب به اتفاق، دلیل افضلیت مرد را در تعقل بیشتر، حسن تدبیر، دوراندیشی، قوت بدنی، جوانمردی و شرکت در جمعه و جماعت مردان و داشتن احساسات و عواطف و طبع ملایم در زنان دانسته‌اند.

- برخی نیز رسالت و نبوت را دلیل فضل مردان دانسته‌اند؛ باید گفت امر رسالت، نبوت و وجود انبیاء الهی از قشر مردان در عده‌ای خاص که دارای عصمت بوده‌اند، محقق گشته و این امر نمی‌تواند معیاری برای فضل در تمام مردان از جمله آنهایی که از میانشان افراد ستمکاری چون فرعون برخاسته‌اند، باشد.

- برخی طبیعت گرم مرد را معیار قرار داده‌اند؛ این امر از اصول اثبات شده و مسلم علمی نیست و درضمن، قیومیت نیاز به طبع سرد و گرم ندارد.

- در آرای برخی از مفسران، «قیومیت» را به حکومت پادشاهان، ولایت بر رعیت، رئیس و مرئوس و حاکم بر محکوم تشبیه کرده‌اند؛ باید گفت میان منزل و محل سکونت با اداره و تشکیل حکومت و اجرای قوانین اداری، تفاوت وجود دارد. در آیات قرآن از خانه یا بیت به محل آرامش (نحل: ۸۰) محل تلاوت قرآن (احزاب: ۳۴) جای سلام و سلامتی (نور: ۶۱) عنوان شده است، پس نمی‌تواند جای فرمانروایی و پادشاهی و استبداد باشد.

- در برخی نظریات علت تفضیل، قوت عبادی مرد دانسته شد؛ باید گفت که اعمال عبادی و اطاعت از خدا، نیاز به قدرت بدنی ندارد؛ بلکه این جا، دل کارسازتر و در رسیدن به خداوند و بُعد عرفانی جلوتر از قدرت بدنی است.

۳. تبیین عوامل تطور معنای «قوامون» در تفاسیر در گذر تاریخ

از عصر رسالت تاکنون مفسرین برای فهم معانی قرآن و کشف مراد خداوند تلاش‌های فراوان کرده‌اند. از عواملی که باعث اختلاف آرا در برداشت از مفهوم یک لفظ گردیده، اتخاذ سبک و روش تفسیری متفاوت در طول زمان متناسب با تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی بوده است. هرچه از صدر اسلام فاصله گرفته شود، آرای تفسیری، بیشتر افزوده می‌شود و گسترش می‌یابد. ابتدا روایات نبوی و اقوال صحابه و سپس اقوال تابعان در تفسیر

آیات مطرح می‌شود. در دوره بعد که به طور عمده در قرن چهارم، مفسران به جرح و تعدیل احادیث و اقوال تفسیری اهتمام می‌شود (سمرقندی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۰۰) و این سرآغازی برای شروع تفسیر اجتهادی می‌گردد و رودیکرد تفاسیر قرون پنجم (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۸۹) و ششم بیشتر اجتهادی به‌شمار می‌آید (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۶۹). هرگروهی از مفسران متناسب با دانشی که آموخته‌اند، به تفسیر قرآن می‌پردازند. برخی با تکیه بر علوم ادبی که آموخته‌اند، به تفسیر ادبی قرآن روی می‌آورند و برخی که به کلام اقبال کرده‌اند، به تفسیر کلامی قرآن می‌پرداختند و آنان که به فقه اهتمام داشته‌اند، روش فقهی را در تفسیر قرآن پی می‌گیرند و شماری هم فلسفه خوانده بودند، قرآن را فلسفی تفسیر می‌کردند.

منتها چندان تحول چشم‌گیری در تفسیر آیات رخ نمی‌دهد تا اینکه بر اثر رنسانس و توسعه علوم جدید و رشد فرهنگی و اجتماعی زنان و به طور عمده در قرن چهاردهم (مغنیه، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۱۴-۳۱۶؛ بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۰۴-۲۴)، نگرش‌های تفسیری تفاوتی عظیم پیدا می‌کند و آیاتی را که به ظاهر متضمن تنقیصی برای زنان دانسته می‌شده است، به گونه‌ای که منقصتی برای زنان نباشد، تفسیر کردند.

مفهوم «قوامون» نیز مشمول این تطور واقع شد. پنهان نیست که در سده‌های نخستین در فرهنگ مردم، مرد به‌عنوان جنس برتر و دارای امتیازات ویژه شناخته می‌شد و زنان به این میزان از ارزش علمی-فرهنگی که در حال حاضر هستند، ارتقا نیافته بودند و لذا با آنان همانند بردگان رفتار می‌شد. تعصبات قومی و رسومات جاهلی که از دیرباز در فرهنگ جوامع رسوخ کرده است، زن را مظهر ضعف و زبونی یاد می‌کرد؛ اما به تدریج با رشد علمی و فرهنگی که در جوامع بشری پدیدار شد، زنان منزلت و موقعیت اجتماعی بهتری پیدا کردند و این باعث شد، آیات مربوط به زنان تطور قابل توجهی پیدا کند.

در بیشتر تفاسیر تا قرن هشتم (ابن جزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۹۰) و تاحدودی در قرن دوازدهم (حقی‌بروسوی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۲)، لفظ قوام را به‌معنای سلطه، حاکمیت، استبداد، رئیس بزرگ، پادشاهی مرد بر زن تعبیر و تفسیر کرده‌اند و دلیل افضلیت را برتری مرد بر زن در عقل و رأی و اعطای مهر و نفقه ازسوی مرد به زن دانسته‌اند. تا قرن هشتم این نکته تقریباً در همه تفاسیر تکرار گردیده است که از آن جمله می‌توان تفاسیر مقاتل (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱،

ص ۳۷۰)، قمی (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳۷) و طبری (طبری، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۳۷-۴۰) را یاد کرد.

منتها عمده تغییرات در قرن چهاردهم است. در این قرن، بعضی از تفاسیر با بهره‌برداری از مباحث اجتماعی و جامعه‌شناختی به بحث درباره قوامیت می‌پردازند. برای مثال، تفاسیر تفسیر المنار (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۶۷-۶۹) و نمونه (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷۰) در تبیین معنای «قوامون» از حمایت از خانواده، به عنوان یک واحد کوچک از اجتماع که باید دارای نظم واحد و رهبریت باشد، سخن می‌گویند. نیز در تفاسیر فی ظلال القرآن (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۴۸-۶۵۲) و من هدی القرآن (مدرسی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۷۴) تأکید گردیده است که اگر هریک از اعضای خانواده‌ها یا جامعه بخواهند به سعادت برسند، باید در مسیر طبیعی و فطری خود حرکت نمایند. اگر نقش زن و مرد عوض شود، هر تلاشی برخلاف طبیعت انجام دهند، این قیام بر ضد فرمان طبیعت و محکوم به شکست خواهد بود.

در عین حال، در تفاسیر این قرن، برخی تفاوت‌های جسمی، خلقی که میان زن و مرد غیر قابل تغییرند، مورد تأیید قرار می‌گیرد و آنها منشأ تفاوت‌های اجتماعی و حقوقی بر شمرده می‌شوند و افزوده می‌شود که اگر بدون توجه به تفاوت‌ها و گرایش‌ها، قانونی وضع گردد، برخلاف ضرورت تشریع و تضمین خواهد بود. نیز اضافه می‌شود که، قیومیت مستلزم وجود مدیریت صحیح و برخورداری از تعقل بیشتر و پشتوانه مالی است و نوعاً این گونه امور با مسئولیت مردان، سازگاری بیشتری دارد. این معنا از قوامیت در تفاسیر قرن چهاردهم به بعد مانند ترجمان فرقان و مخزن‌العرفان با توجه به گرایش‌های حقوقی و اجتماعی دیده می‌شود. در تفاسیر این قرن آمده که در تشکیل خانواده دو اصل مهم، یکی قهر که نماد پدر است و دیگری، مهر که نماد مادر است، نقش مهمی ایفا می‌کند. زن منبع مهربانی و رأفت و عطوفت زن است و و مرد مسئول تأمین هزینه کارهای اجرایی و سرپرستی، دفاع از حوزه تدبیر خانواده است. منتها گاهی زن از قدرت و صلاحیت و امکانات مالی سرپرستی خانواده برخوردار می‌شود و می‌تواند مسئولیت مردانه را خود برعهده بگیرد.

۴. نتیجه گیری

آرای مفسران درباره مفهوم «قوامون» در گذر تاریخ تحت شرایط فرهنگی متفاوت تحول پیدا کرده است. البته این تحول تا قرن سیزدهم چندان زیاد نبوده است؛ اما با شروع مدرنیته و رنسانس و رشد علمی و فرهنگی و بر اثر ارتقای منزلت علمی و اجتماعی و اقتصادی زنان در قرن چهاردهم، آرای مفسران به سمت تفسیر آیات مربوط به زنان از جمله آیه قوامون متناسب با شرایط مدرنیته سوق پیدا کرده است. تا قرن سیزدهم، نظریات تفسیری درباره آیه قوامون، بیشتر بر مبنای سلطه، حاکمیت و ریاست مردان بر زنان بوده است؛ اما با پررنگ شدن نقش زن در جامعه در قرن چهاردهم از جهات اقتصادی، اجتماعی و علمی، معانی کارگزاری، خدمت گذاری، حمایت، پاسداری و امر به معروف و نهی از منکر درباره قوامون بیان می گردد. به نظر بسیاری از مفسران قرن چهاردهم هجری و معاصر قوامیت مربوط به روابط زن و مرد در محدوده خانواده است و بیانگر حکم مسئولیت و سرپرستی و خدمتگزاری مرد در خانواده و حمایت و حفاظت از زن و تأمین معاش و تدبیر امور اقتصادی آنان است و نمی توان از این آیه حکم برتری مردان بر زنان را استنباط کرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود؛ **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی**؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ **تفسیر القرآن العظیم**؛ چاپ سوم، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر؛ **تفسیر التحریر و التنویر المعروف ابن عاشور**؛ چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۹ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو؛ **تفسیر القرآن العظیم**؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ابوزهره، محمد؛ **زهرة التفاسیر**؛ چاپ اول، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- امین اصفهانی، سیده نصرت؛ **مخزن العرفان در تفسیر قرآن**؛ چاپ دوم، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
- بلاغی نجفی، محمدجواد؛ **آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، قم: بنیاد البعثه، ۱۴۲۰ق.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان؛ **تفسیر مقاتل بن سلیمان**؛ چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد؛ **جواهر الحسان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- جانسون، گلن؛ **اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن**؛ ترجمه محمدجعفر پائنده؛ چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷ش.
- جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم؛ **تفسیر شاهي او آیات الاحکام**؛ چاپ اول، تهران: نوید، ۱۳۶۲ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ **تفسیر تسنیم**؛ چاپ ششم، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۶ش.
- جصاص، احمد بن علی؛ **احکام القرآن**؛ چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- حقی بروسوی، اسماعیل؛ **روح البیان**؛ چاپ اول، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- رشیدرضا، سید؛ **تفسیر القرآن الحکیم الشهیر تفسیر المنار**؛ چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل**؛ چاپ اول، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۴ش.
- گنابادی، سلطان محمد؛ **بیان السعاده فی مقامات العبادہ**؛ چاپ دوم، بی جا: مؤسسه الاعلامی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
- سمرقندی، نصر بن احمد؛ **بحر العلوم**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.

- سیدبن قطب، ابراهیم شاذلی؛ **فی ظلال القرآن**؛ چاپ هفدهم، قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن؛ **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**؛ چاپ اول، بیروت: دار المعرفه، ۱۳۶۵ق.
- شریف لاهیجی، محمدبن علی؛ **تفسیر شریف لاهیجی**؛ چاپ اول، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.
- صادقی‌تهرانی، محمد؛ **ترجمان فرقان**؛ چاپ اول، قم: شکرانه قم، ۱۳۸۸ش.
- صدیق‌حسن‌خان، محمدصدیق؛ **نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام**؛ چاپ اول، بی‌جا: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی؛ چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، فضل‌بن حسن؛ **مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۸۹ش.
- طبری، محمدبن جریر؛ **جامع‌البیان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۹۲ش.
- طنطاوی، محمدسید؛ **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**؛ چاپ اول، قاهره: نهضت مصر، ۱۹۹۷م.
- طوسی، محمدبن حسن؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، قم: ذوالقربی، ۱۳۸۸ش.
- طیب، عبدالحسین؛ **اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ دوم، تهران: اسلام، ۱۳۶۹ش.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه؛ «بررسی معناشناختی و جایگاه قوامیت مرد و حقوق انسانی زن از نظر قرآن و مقایسه با کنوانسیون رفع تبعیض»؛ فصلنامه کتاب نقد، ش ۳۱، ۱۳۸۳ش.
- فاضل مقداد، جمال‌الدین مقدادبن عبدالله؛ **کنز‌العرفان فی فقه القرآن**؛ چاپ اول، بی‌جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- فخرالدین رازی، محمدبن عمر؛ **مفاتیح‌الغیب (التفسیر الکبیر)**؛ چاپ پنجم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فضل‌الله، سید محمدحسین؛ **من وحی القرآن**؛ چاپ اول، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۶۴ش.
- فیض کاشانی، ملا محسن؛ **تفسیر الصافی**؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
- قرطبی، محمدبن احمد؛ **الجامع لاحکام القرآن**؛ چاپ اول، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۶۴ش.
- قمی، علی‌بن ابراهیم؛ **تفسیر قمی**؛ چاپ چهارم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله؛ **منهج الصادقین**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- ماتریدی، محمد بن محمد؛ **تأویلات اهل السنه**؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- مدرسی، محمدتقی؛ **من هدی القرآن**؛ چاپ اول، تهران: مجانب‌الحسین(ع)، ۱۳۷۸ش.
- مغنیه، محمدجواد؛ **الکاشف**؛ چاپ پنجم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۲ش.

- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد: **زبد البیان فی احکام القرآن**؛ چاپ اول، تهران: کتابفروشی مرتضوی، بی‌تا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران: **تفسیر نمونه**؛ چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- میبدی، احمد بن محمد: **کشف الاسرار و عدده الابرار**؛ چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
- نصیری، علی و نصیری، محمدحسین: **«نقد و بررسی دیدگاه‌ها در زمینه وجود برتری مردان بر زنان»**؛ پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۷، صفحه ۱۵۸-۱۸۹، پاییز ۱۳۹۰.

References

- *The Noble Qur'an*, Translated by Muhammad Mehdi Fooladvand.
- Alusi, Shahab al-Din Seyed Mahmud (1415 A.H). *Rooh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'azim va al-Sab' al-Masani*, 1st Edition, Beirut: Dar al-Ketab al-'elmieh.
- Ibn Abi Hatam, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1419 A.H). *Tafsir al-Qur'an al-'Azim*, 3rd Edition, Saudi Arabia: Maktabah Nazar Mostafa al-Baz.
- Ibn 'Ashoor, Muhammad Taher (1419 A.H). *Tafsir al-Tahrir va al-Tanvir al-Ma'roof ibn 'Ashoor*, 1st Edition, Beirut: Tarikh a-Arabi Institute.
- Ibn Kasir, Isma'il ibn 'Amroo (1419 A.H). *Tafsir al-Qur'an al-'Azim*, 1st Edition, Beirut: Dar al-Kotob al-'Ilmiah.
- Abu Zohreh, Muhammad, *Zohreh al-Tafasir*, 1st Edition, Beirut: Dar al-Fekr.
- Amin Isfahani, Seyedeh Nosrat (1361 S.H). *Makhzan al-'Erfan in the Exegesis of the Qur'an*, 2nd Edition, Tehran: Nehzat of Muslim Women.
- Balaqi Najafi, Mohammad Javad (1420 A.H). *Ala' al-Rahman fi Tasir al-Qur'an*, 1st Edition, Qom: Al-Ba'sah Foundation.
- Balkhi, Maqatil ibn Sulayman (1423 A.H). *Tafsir Maqatil ibn Sulayman*, 1st Edition, Beirut: Dar Ehya' al-Turath.
- Sa'alabi, 'Abd al-Rahman ibn Muhammad (1418 A.H). *Javaher al-Ihsan fi Tafsir al-Qur'an*, 1st Edition, Beirut: Dar Ehya' al-Turath.
- Johnson, Glen (1377 S.H). *The Universal Declaration of Human Rights: a History of its Creation and Implementation*, Translated by Mohammad Ja'far Payandeh, 1st Edition, Tehran: Nashr Ney.
- Jorjani, Abolfath ibn Makhdoom (1362 S.H). *Tafsir Shahi aw Ayat al-Ahkam*, 1st Edition, Tehran: Navid.
- Javadi Amoli, 'Abdollah (1386 S.H). *Tafsir-e Tasnim*, 6th Edition, Qom: Asra' Publication.
- Jasas, Ahmad ibn Ali (1405 A.H). *Ahkam al-Qur'an*, 1st Edition, Beirut: Dar Ehya' al-Turath al-Arabi.
- Haqqi Barousawi, Ismail, *Tafsir Ruh al-Bayan*, 1st Edition, Beirut: Dar al-Fekr.
- Rashid Reza, Seyed (1414 A.H). *Tafsir al-Qur'an al-Hakim al-Shahir Tafsir al-Manar*, 1st Edition, Beirut: Dar al-Mai'refah.
- Zamakhshari, Mahmud ibn umar (1374 S.H). *Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghavamiz al-Tanzil va 'uyun al-Aqavil fi Vojuh al-Ta'wil*, 1st Edition, Qom: Maktabah al-I'lam al-Islami.
- Gonabadi, Soltan Muhammad (1408 A.H). *Bayan al-Sa'ada fi Maqamat al-'Ibada*, 2nd Edition, No Place: Al-'Ilmi lel-Matbu'at Institute.
- Samarqandi, Nasr ibn Ahmad (1414 A.H). *Bahr al-'Olum*, Beirut: Dar al-Kotob al-'Ilmiah.
- Seyed ibn Qotb, Ibrahim Shazeli (1412 A.H). *Fi Zilal al-Qur'an*, 17th Edition, Cairo: Dar al-Shoruuq.

- Al-Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman (1365 S.H). *Dur al-Manthur fi Tafsir al-Ma'thur*, 1st Edition, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Sharif Lahiji, Muhammad ibn Ali (1373 A.H). *Tafsir Sharif Lahiji*, 1st Edition, Tehran Nashr-e Dad Office.
- Sadeqi Tehrani, Mohammad (1388 S.H). *Tarjoman-e Forqan*, 1st Edition. Qom: Shokraneh Qom.
- Sadiq Hasan Khan, Muhamad Sadiq (1424 A.H). *Nil al-Maram men Tafsir 'Ayat al-Ahkam*, 1st Edition, No Place: Dar al-Kitab al-'Ilmiah.
- Tabataba'ii, Seyed Mohammad Hussein (1374 S.H). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Translated by Mohammad Baqer Musavi Hamedani, 5th Edition, Qom: Office of Islamic Publication.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1389 S.H). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, 1st Edition, Tehran: Mortazavi Publication.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1392 S.H). *Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, 1st Edition, Qom: Imam Sadiq (PBUH) Institute.
- Tantawi, Seyed Muhammad (1997). *Al-Tafsir al-Vasit lel-Qur'an al-Karim*, 1st Edition, Cairo: Egypt al-Nahda.
- Tusi, Muhammad ibn Hasan (1388 S.H). *At-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*, 1st Edition, Qom: Zol-Qorba.
- Tayeb, Abd al-Hussain (1369 S.H). *Atyab ol-Bayan fi Tasir al-Qur'an*, 2nd Edition, Tehran: Islam.
- 'Azimzaadeh Ardabili, Fa'ezeh (1383 S.H). Semantic Analysis and Status of Man's maintenance and Woman's Rights from the Perspective of the Qur'an and its Comparison with Anti-Discrimination Convention, *Annual Journal of Criticism*, No. 31.
- Fazil Miqdad, Jamal al-Din Miqdad ibn 'Abd Allah (1419). *Kanz al-'Irfan fi Fiqh al-Qur'an*, 1st Edition, No Place: The World Forum for Proximity of Islamic Schools of Thoughts.
- Fakhr al-Din Razi, Muhammad ibn 'Umar (1420 A.H). *Mafatih al-Ghaib (al-Tafsir al-Kabir)*, 5th Edition, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Fazl Allah, Seyed Muhammad (1364 S.H). *Min Wahy al-Qur'an*, 1st Edition, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Feyz Kashani, Mulla Mohsen (1415 A.H). *Tafsir al-Safi*, 2nd Edition, Tehran: Sadr Publication.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1364 S.H). *Al-Jami' al-Ahkam al-Qur'an*, 1st Edition, Tehran: Naser Khosrow.
- Qomi, Ali ibn Ibrahim (1367 S.H). *Tefsir-e Qomi*, 4th Edition, Qom: Dar al-Kitab.
- Kashani Fathollah ibn Shokrollah (1363 S.H). *Monhaj al-Sadeqin*, 1st Edition, Tehran: Islamiyah Publication.
- Matridi, Muhammad ibn Muhammad, *Ta'wilat Ahl al-Sona*, 1st Edition, Beirut: Dar al-Kotob al-'Ilmiah.
- Modarresi, Muhammad Taqi (1378 A.H). *Min Huda al-Qur'an*, 1st Edition, Tehran: Muhibban al-Hussain (PBUH).
- Mughnia, Muhammad Javad (1392 S.H). *Al-Kashif*, 5th Edition, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Muqadas Ardabili, Ahmad ibn Muhammad, *Zubda al-Bayan fi Ahkam al-Qur'an*, 1st Edition, Tehran: Mortazavi Bookshop.
- Makarim Shirazi, Naser et. al. (1374 S.H). *Tafsir Nemoone*, 1st Edition, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamia.
- Meibudi Ahmad ibn Muhammad (1371 S.H). *Kashf ol-Asrar va Uddat-ol-Abrar*, 5th Edition, Tehran: Amir Kabir.
- Nasir, Ali & Nasir, Muhammad Hussein (1390 S.H). Analysis and Investigation of Viewpoints on the Superiority Aspects of Men Over Women, *The Journal of Quranic Research*, No. 67, pp. 158-189.